

حوزه فرهنگی - تمدنی ایران در آسیای مرکزی^۱

ابراهیم خدایار*

E-mail: hesam_kh1@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲۷

چکیده

آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های تمدنی ایران است که پیوسته و در طول تاریخ نقشی اساسی در رشد و گسترش عناصر ایرانی و اسلامی در جهان ایرانی و دنیای اسلام داشته است. این منطقه علاوه بر آن‌که نقش بارزی در شکل‌دهی به هویت زبان فارسی و فرهنگ ایرانی داشته، در تثبیت عناصر ایران فرهنگی در جهان نیز نقش بی‌بدیلی را ایفا کرده است. قرار گرفتن تاجیکستان در حوزه فارسی‌زبانان ایران در دوران معاصر و حضور ده‌ها شاعر و نویسندۀ فارسی‌زبان در ازبکستان اهمیت این منطقه را برای ایران دو چندان کرده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی، جایگاه پژوهش‌های انجام گرفته در ایران، در سه حوزه کتاب، مقاله و پایان‌نامه/رساله، در باره آسیای مرکزی در قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم (۱۹۲۱-۲۰۱۰م) در سه مقطع از ابتدای قرن بیستم تا وقوع انقلاب اسلامی، از انقلاب اسلامی تا فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، و از استقلال کشورهای آسیای مرکزی تا ۲۰۱۰م بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد توجه به این منطقه در دوران شوروی سابق بسیار ناچیز بود، این توجه پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، که اهداف منطقه‌ای و جهانی را سرلوحه سیاست‌های فرهنگی و سیاسی خود قرار داده بود، شتاب بیشتری نسبت به دوره قبل (حکومت شوراها) گرفت و با فروپاشی شوروی سابق و استقلال کشورهای منطقه به سرعت رو به گسترش نهاد.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی شوروی، ایران فرهنگی،

آسیای مرکزی / آسیای میانه، ماوراءالنهر.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نگارنده است که در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با نام کتاب‌شناسی توصیفی آسیای مرکزی در قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم (۱۹۲۱-۲۰۱۰م) به انجام رسیده است.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۱. مقدمه و طرح مسئله

ایران امروز بعد از گذشت قرن‌های متوالی دارای مرزهای سیاسی و جغرافیایی مشخصی است که در نقشه‌های جغرافیا پیداست؛ ولی «مرزهای ناپیدایی» دارد که آن را حوزه تمدن، فرهنگ و تاریخ ایران می‌دانیم. پهنه‌ای که در شمال تا رود سیحون، در شرق تا ترکستان چین، در غرب تا کرانه‌های مدیترانه (ترکیه فعلی) و در جنوب تا شمال هند و کشمیر و بنگال گسترده است (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۹: ۳ و ۱۵). این حوزه تمدنی شامل ایران، آسیای مرکزی (ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان)، افغانستان، قفقاز (آذربایجان، گرجستان و ارمنستان)، تبت و پامیر، شبه قاره (پاکستان، هند، و بنگلادش)، آسیای صغیر، بالکان و شامات قدیم (ترکیه، بوسنی، سوریه و عراق) را شامل می‌شود. در میان کشورهای حوزه تمدنی ایران، آسیای مرکزی (۱) جایگاه ویژه‌ای دارد.

روابط سیاسی ایران با منطقه آسیای مرکزی از قرن دهم هجری قمری، همزمان با تشکیل دولت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ق/۱۵۰۱-۱۷۲۲م) در ایران و شیانیان (۹۰۵-۱۰۰۹ق/۱۵۰۰-۱۶۰۱م) در ماوراءالنهر، رو به سستی و ازهم گسیختگی نهاد. نزاع‌های پی‌درپی حاکمان دو منطقه با یکدیگر، که بیشتر رنگ و بوی مذهبی داشت، روابط فرهنگی دو سوی جیحون را تحت تأثیر قرار داده بود. موقعیت دشوار واپسین شاهان قاجار در ایران و شرایط اسفبار خان‌نشین‌های بخارا، خوقند و خوارزم در ماوراءالنهر در سال‌های آغازین نیمه دوم قرن نوزدهم، قشون بنیان‌کن امپراتوری تازه‌نفس روسیه را به اشغال بخش‌های وسیعی از این دو منطقه برانگیخت. امپراتوری روسیه پس از اشغال مناطق بزرگی از شمال غربی ایران در قفقاز و اران در دو جنگ خانمان‌برانداز و تحمیل دو عهدنامه ننگین گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۸۲۸م)، با خیالی آسوده به ماوراءالنهر لشکر کشید و در طی ۲۳ سال، یعنی ۱۸۵۳-۱۸۷۶م، این منطقه را به تابعیت و تحت‌الحمایگی خود درآورد. روسیه این منطقه را پس از انقلاب ۱۹۱۷م و شکل‌گیری جریان کمونیسم در شرق، در سال ۱۹۲۴م به پنج جمهوری شورایی تقسیم کرد. از این سال تا ۱۹۹۱م، که اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید، روابط ایران با این منطقه در تمام جنبه‌ها در بدترین وضعیت قرار داشت تا این‌که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م، و استقلال این کشورها در سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م، دوران جدیدی از روابط ایران با این کشورها شکل گرفت و عطش سیری‌ناپذیری در احیا و گسترش روابط دیرینه تاریخی بین ملت‌های دو منطقه پدید آمد تا آنجا که این روابط، به‌رغم ایجاد موانع فراوان از سوی طرف‌های مقابل به دلیل ملاحظات مذهبی و

بعضاً تمدنی، به شرایط نسبتاً مطلوبی ارتقا یافت. مسئله اصلی این مقاله نیز توجه به این موضوع است: پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، و در نتیجه استقلال جمهوری‌های این منطقه در میزان توجه پژوهشگران در ایران به آسیای مرکزی در دوره معاصر چه تأثیری داشته است؟

۲. سؤال‌های پژوهش

۱-۲. میزان توجه پژوهشگران در ایران به آسیای مرکزی پس از تقسیم آن به جمهوری‌های پنج‌گانه از سوی شوروی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعدتر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و در نتیجه استقلال این جمهوری‌ها چگونه بوده است و در کدام یک از حوزه‌های پژوهشی، کتاب، مقاله و پایان‌نامه، موفق عمل کرده‌اند؟
۲-۲. کدام یک از کشورهای منطقه طی این دو دوره، در مرکز توجه پژوهشگران قرار داشته‌اند؟

۳-۲. پژوهشگران در ایران به کدام یک از موضوعات مربوط به این منطقه و در کدامیک از حوزه‌های پژوهشی، کتاب، مقاله و پایان‌نامه، تمرکز بیشتری داشته‌اند؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

۱-۳. توجه پژوهشگران در ایران به منطقه آسیای مرکزی در دوره شوروی سابق به دلیل قرار گرفتن دو منطقه در حوزه نفوذ شرق و غرب و تقابل ایدئولوژیکی و سیاسی آن دو بسیار کم است؛ چرا که علاوه بر تقابل سیاسی و فرهنگی ایجاد شده بین دو منطقه، هیچ‌گونه بستر مناسبی برای رفت و آمدهای دوجانبه و انجام کارهای فرهنگی و اقتصادی وجود نداشت. این شرایط در دهه‌های آغازین قرن بیستم مشهود بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعدتر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، شرایط استثنایی را برای احیا و گسترش روابط همه‌جانبه بین دو منطقه در اختیار ملت‌های یکدیگر قرار داده است که این روابط با ایجاد بسترهای مناسب روز به روز افزایش یافته است.
۲-۳. در میان کشورهای منطقه، تاجیکستان به دلیل همزبانی و همدلی تاریخی و ازبکستان به دلیل قراردادن شهرهای تاریخی فرهنگ و تمدن ایرانی در خاک آن، بیش از دیگر کشورهای منطقه در مرکز توجه پژوهشگران قرار داشته‌اند؛ ضمن آن‌که ترکمنستان نیز به دلیل داشتن مرز مشترک با ایران و وجود ترکمن‌ها در دو کشور از زمینه‌های مساعدی برای گسترش روابط برخوردار است.

۳-۳. پژوهشگران در تمام حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه‌های ادبی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی به کشورهای یادشده توجه نشان داده‌اند. این توجه در دوره نخست بیشتر تاریخی، سیاسی و ادبی و در دوره دوم سیاسی، اقتصادی و ادبی بوده است؛ ضمن آن‌که به دلیل پایگاه اجتماعی نویسندگان کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، نوع توجه نیز متفاوت خواهد بود؛ برای مثال موضوعات پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی غالباً سیاسی، اقتصادی و تاریخی است، درحالی‌که موضوعات کتاب‌ها و مقاله‌ها بیشتر ادبی، تاریخی و سیاسی است و موضوعات اقتصادی در رتبه بعدی قرار می‌گیرند.

۴. پیشینه پژوهش

تاکنون به طور جامع در این زمینه هیچ پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. عدم دسترسی به تمامی منابع و حجم گسترده منابع اطلاعاتی از یک سو و دشواری دستیابی به آنها از سوی دیگر، یکی از اصلی‌ترین علل انجام نگرفتن چنین تحقیقات می‌تواند باشد؛ با این حال به صورت محدودتر در چهار کتاب و یک مقاله درباره کتاب‌شناسی توصیفی برخی از کشورهای منطقه اطلاعاتی پراکنده وجود دارد: ۱. کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی، غلامرضا وره‌رام، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، ۲۹۸ص؛ ۲. کتاب‌شناسی ترکمنستان، لیلا عسکری، ملیحه تفسیری، تهران: الهدی، ۱۳۷۸، ۱۷۳ص؛ ۳. کتاب‌شناسی توصیفی تاجیکستان، ناهید حبیبی آزاد، دوشنبه: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، ۱۳۸۱، ۴۱۶ص؛ ۴. کتاب‌شناسی خاورشناسان (ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان) روسیه و اتحاد شوروی سابق، گروه مترجمان و مؤلفان، با مقدمه عنایت‌اله رضا، تهران: الهدی، ۱۳۷۲، ۲۷۲ص؛ ۵. «کتاب‌شناسی گزیده فارسی آسیای مرکزی و قفقاز»، امیرسعید الهی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، صص ۱۷۴-۱۷۷.

۵. چارچوب مفهومی پژوهش

۵-۱. آسیای مرکزی^۱

اصطلاح آسیای مرکزی، که امروزه در بسیاری از موارد برابر با آسیای میانه^۲ به کار برده می‌شود، سرزمین پهناوری در قاره آسیاست با حدود ۳/۹۹۴/۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت و

1. Central Asia

2. Middle Asia

بیش از ۶۱/۴۴۲/۰۰۰ نفر جمعیت (برنامه سازمان ملل ۲۰۱۰، undp) که هیچ مرزی با آب‌های آزاد جهان ندارد.

جدول شماره ۱: اطلاعات عمومی کشورهای آسیای مرکزی (۲)

موضوع کشور	تأسیس	استقلال	پایتخت	نوع حکومت	رئیس جمهور	زبان رسمی	جمعیت کل (۲۰۱۰م)
ازبکستان	۱۹۲۴	۱۹۹۱	تاشکند	جمهوری	اسلام کریم‌اف (از ۱۹۹۱)	ازبکی	۲۷,۷۶۰,۳۰۰
تاجیکستان	۱۹۲۹	۱۹۹۱	دوشنبه	جمهوری	امامعلی رحمان (از ۱۹۹۲)	فارسی تاجیکی	۶,۹۷۷,۰۰۰
ترکمنستان	۱۹۲۴	۱۹۹۱	عشق‌آباد	جمهوری	قربان‌بیگ بردی‌بایف (از ۲۰۰۷)	ترکمنی	۵,۱۰۵,۳۰۰
قرقیزستان	۱۹۲۴	۱۹۹۱	بیشکک	جمهوری	المازیک آتامایوف (از ۲۰۱۱)	قرقیزی	۵,۳۹۲,۶۰۰
قزاقستان	۱۹۲۰	۱۹۹۱	آستانه	جمهوری	نورسلطان نظربایف (از ۱۹۹۱)	قزاقی	۱۶,۲۰۶,۸۰۰

این منطقه از شمال و شمال غربی با روسیه، از غرب با دریای خزر، از جنوب با ایران و افغانستان، و از شرق با چین هم‌مرز است. اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است، مفهوم رایج امروزی آن، دربرگیرنده کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان است. به بخشی از آسیای مرکزی که در میان دو رود آمودریا و سیردریا جای دارد و امروزه به طور عمده درون مرزهای کشورهای یادشده، به‌ویژه، ازبکستان و تاجیکستان، و به طور محدودتر در جنوب قزاقستان، و قرقیزستان قرار گرفته، ماوراءالنهر گفته می‌شد. روس‌ها با ورود به این منطقه و اشغال آن در نیمه دوم قرن نوزدهم، طی سال‌های ۱۸۵۳ تا ۱۸۷۶، نام «ولایت ترکستان (۳)» (۱۸۷۶)، سرزمین ترکستان (۱۸۸۶) و ترکستان روس را برای اداره آن به کار بردند (ضیایف، ۱۹۹۸: ۶۸، ۹۳؛ صادق‌اف^۲ و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۴/۱، ۱۵۳، ۱۶۵؛

1. Зиёв

2. Содиков

حسین پور و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۱۵). پس از مرزبندی‌های جغرافیایی در دهه سوم قرن بیست (۱۹۲۰-۱۹۳۶) و تشکیل پنج جمهوری مستقل شورایی، که حاصل فروریختن بنیان‌های سه خان‌نشین خوقند، بخارا و خیوه بود، اصطلاح آسیای میانه در منابع روسی برای این منطقه به کار گرفته شد.

نقشه آسیای مرکزی



در نقشه بالا مصداق ارضی مفهوم آسیای مرکزی در تعریف یونسکو، شوروی سابق و مفهوم رایج امروزی آن نشان داده شده است. همان‌گونه که دیده می‌شود، این منطقه از نظر یونسکو علاوه بر مصداق رایج امروزی آن، که شامل پنج کشور یاد شده است، بخش‌هایی از شمال شرقی ایران، تمام افغانستان، بخش شمالی هندو پاکستان، بخش‌های وسیعی از شمال شرقی چین و جنوب شرقی روسیه و تمام مغولستان را دربرمی‌گیرد (۴). ضمن آنکه در تعریف رسمی شوروی سابق کشور قزاقستان عملاً از این منطقه بیرون بود.

۲-۵. ماوراءالنهر

ماوراءالنهر^۱ به سرزمینی گفته می‌شود که در میان دو رود آمودریا و سیردریا جای دارد. در واقع معنی اصلی آن «سرزمین آن سوی رود»، یعنی رود آمودریا (جیحون) است (بارتولد، ۱۳۷۶: ۷۳). این سرزمین در دوران هخامنشیان یکی از ساتراپی‌های بیست‌ونگانه این امپراتوری، یعنی ساتراپی (ایالت) سغدیانه بوده است (پیرنیا و اقبال،

1. Transoxiana

۱۳۸۰: ۱۳۱). نام این منطقه در عهد اساطیری توران، در عهد باستان و دوران هخامنشیان و به زبان فارسی باستان «پَرَدَری» (کنت^۱، ۱۹۵۳: DNa 28f; DSe 29; XPh 24; DPc 15؛ کنت، ۱۳۸۴: ۶۳۴؛ فروزانی، ۱۳۷۷: ۳۴؛ شارپ^۲، ۱۳۸۴: ۱۷۳) و در دوره ساسانیان و به زبان پهلوی ساسانی «فرارود» خوانده می‌شد. ورزروود، ورازروود، وراوود، وراوودان، فرارودان، میان‌رودان، خراسان، ترکستان، ترکستان غربی و ترکستان روس نیز در دوره‌هایی به آن اطلاق شده است. پس از آن‌که مسلمانان به فرماندهی قتیبه‌بن مسلم باهلی، والی خراسان، در سال‌های پایانی سده اول هجری (۹۰-۹۶ق) این منطقه را فتح کردند، نام آن آهسته‌آهسته به ماوراءالنهر تغییر یافت (امین‌اف^۳، ۱۹۹۷: ۸۲ و ۸۳؛ توسون‌اف^۴، ۲۰۰۹: ۲۴۴). این منطقه در دوران قبل از اسلام، نزدیک به دویست سال یکی از ولایات تابع هخامنشیان بود. پس از سقوط هخامنشیان در قرن چهارم پیش از میلاد، تا ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی این منطقه در زمان سلسله‌های سلوکیان، حکومت یونانی - باختر، کوشانیان، هیاطله و ساسانیان به صورت دولت‌های تابع، نیمه‌مستقل و ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد. ماوراءالنهر در عصر اسلامی و تا ابتدای قرن دهم هجری قمری، در دوره سامانیان (۲۰۴-۳۸۹ق)، ایلک‌خانان / آل افراسیاب / قراخانیان (۳۸۹-۵۲۳ق)، قراختیایان (۵۳۵-۶۰۹ق)، خوارزمشاهیان (۴۷۰-۶۲۸)، مغولان (۶۱۶-۷۶۴ق)، و تیموریان ماوراءالنهر (۷۷۱-۹۰۶ق) تقریباً و با اندکی تسامح سرنوشت مشترک فرهنگی (و به نسبت کمتر سیاسی) با ایران داشت. این منطقه با تشکیل سلسله صفویان در ایران (۹۰۷-۱۱۳۵ق/۱۵۰۱-۱۷۲۲م) از نظر سیاسی به کلی از ایران جدا شد. این وضعیت تا آغاز قرن بیستم و همزمان با تشکیل جمهوری‌های پنج‌گانه ادامه یافت. این دوره نسبتاً طولانی، که نزدیک به ۴۲۰ سال دوام آورد، با حکومت شیبانیان (۹۰۵-۱۰۰۹ق/۱۵۰۰-۱۶۰۱م) در بخارا شروع شد و با اشترخانیان (۱۰۰۹-۱۱۶۶ق/۱۶۰۱-۱۷۵۳م) و منغیت‌ها (۱۱۶۶-۱۳۳۸ق/۱۷۵۳-۱۹۲۰م) در این شهر، و خانات قنغرات (۹۱۷-۱۳۳۸ق/۱۵۱۲-۱۹۲۰م) در خیوه و خوارزم، و مینگ‌ها (۱۱۲۲-۱۲۹۳ق/۱۷۱۰-۱۸۷۶م) در خوقند تداوم یافت (امین‌اف، ۱۹۹۷: ۱۴۷-۱۵۶؛ باسورث، ۱۳۸۳: ۵۴۷-۵۵۹؛ خدایار، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۸)؛ اما پس از آن، وارد مرحله تازه‌ای از حیات سیاسی و فرهنگی خود شد؛ به گونه‌ای که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم در زمان نسبتاً طولانی سلطنت سلطان حسین بایقرا (حک - ۸۷۳-۹۱۱ق) در هرات، هویت جدید ترکی - مغولی به نام «جغتایی» و زبانی با نام

1. Paradraya- meaning "ansuye darya" 3. Shorp

2. Kent

4. Аминов

5. Турсунов

«ترکی جغتایی» شکل گرفت و امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ق) در مقام بنیان‌گذار ادب ترکی جغتایی به این هویت زندگی بخشید (تورسون‌اف، ۲۰۰۹: ۱۵۷-۱۶۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۰-۲۳۲، ۲۴۴-۲۵۰، ۳۴۴، ۴۴۴؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۷۱-۷۴، ۹۱، ۱۵۷، ۴۶۸-۴۷۴؛ باسورث، ۱۳۸۳: ۳۴۹-۳۵۵، ۴۶۸-۴۶۹، ۴۷۵-۴۷۶، ۵۴۷-۵۵۹). این زبان و هویت در سراسر دوره زمامداری خان‌نشین‌های خیوه (۱۵۱۱-۱۹۲۰م) و خوقند (۱۷۰۹-۱۸۷۶م) به درون ماوراءالنهر راه یافت و در زمان تشکیل جمهوری ازبکستان با نام ازبکی به عنوان زبان دولتی جمهوری ازبکستان استقلال تام یافت. در این سال‌ها و به‌رغم جدایی سرنوشت مردمان دو سوی جیحون از یکدیگر، و شکل‌گیری هویت‌های قدرتمند بومی محلی در کنار هویت فارسی و ایرانی منطقه، که در پایان این دوران (۱۹۲۴) به تاجیکی تغییر نام داد، هویت‌هایی از جمله ترکمنی، قزاقی و قرقیزی نیز تقویت شدند و در نهایت از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۶ هرکدام با زبان رسمی خود در منطقه صاحب مرزهای ملی و کشورهای مستقل شدند (همان‌جا).

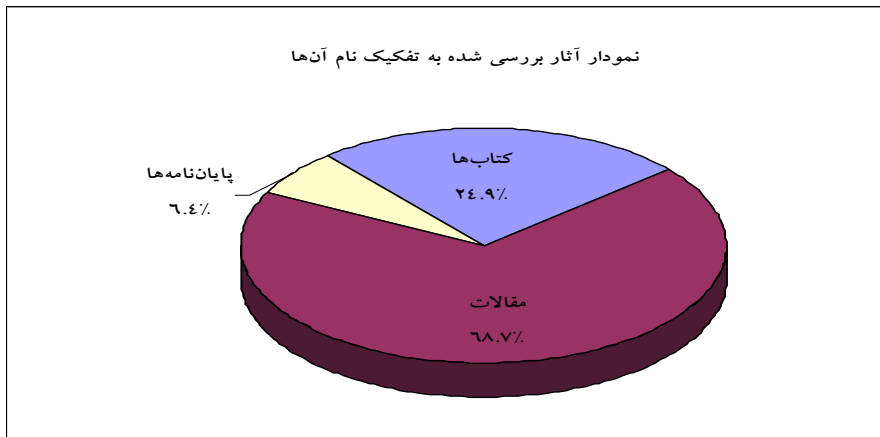
۶. روش و محدوده زمانی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، میدانی و اسنادی است. بر این اساس، با جست‌وجو در اینترنت و مراجعه مستقیم به اسناد مورد نظر در کتابخانه‌های مراکز پژوهشی و آموزشی ایران، و رایزنی‌های فرهنگی ج.ا. ایران در این کشورها در حد امکان، در سه حوزه کتاب، مقاله و پایان‌نامه/ رساله، مدارک مرتبط به موضوع طرح در محدوده زمانی ۱۳۰۰-۱۳۸۹ش / ۱۹۲۱-۲۰۱۰م (۵) با لحاظ تمام موضوعات، از جمله فرهنگی، ادبی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و اجتماعی، مطابق فرم مخصوصی با نام «کتاب‌شناسی توصیفی آسیای مرکزی در قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم (۱۹۲۱-۲۰۱۰)» جمع‌آوری و ثبت شد. برای بازیابی اسناد، علاوه بر استفاده از منابع یاد شده، تمام پایگاه‌های اینترنتی اطلاع‌رسانی عمومی و تخصصی این منطقه نیز جست‌وجو و اطلاعات ساختاری و محتوایی آنها، توسط پژوهشگران به فرمی که به همین منظور طراحی شده بود، منتقل شد.

۷. داده‌ها (جامعه آماری و حجم نمونه)

جدول شماره ۲: آثار بررسی شده به تفکیک نام آنها

تعداد	پایان‌نامه‌ها	مقالات	کتاب‌ها	جمع
۱۲۱	۱۳۱۲	۴۷۶	۱۹۰۹	
۶,۴	۶۸,۷	۲۴,۹۰	۱۰۰	



بر اساس اطلاعات موجود، با توجه به جدول شماره ۲، از مجموع ۱۹۰۹ اثر بررسی شده درباره آسیای مرکزی (۶) از ۱۳۲۳ تا ۱۳۸۹، به ترتیب ۲۴,۹ درصد (۴۷۶ مورد) کتاب، ۶۸,۷ درصد (۱۳۱۲ مورد) مقاله و ۶,۴ درصد (۱۲۱ مورد) آن مربوط به پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها بوده است. کتاب‌ها در بخش‌های مختلف تحت عنوان‌های سال نشر، منطقه جغرافیایی، موضوع، ناشر، مؤلف، مترجم، تألیف یا ترجمه بودن آن، بررسی شده است؛ همچنین، مقالات مطابق ترتیب عنوان‌های یاد شده در کتاب‌ها، با تغییر نام ناشر به نام مجله‌ای که مقاله در آن به چاپ رسیده، بررسی شده‌اند. در بخش پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها نیز مقطع تحصیلی، سال دفاع، استاد راهنما، دانشکده و دانشگاه، محل جغرافیایی و موضوع، بررسی شده است.

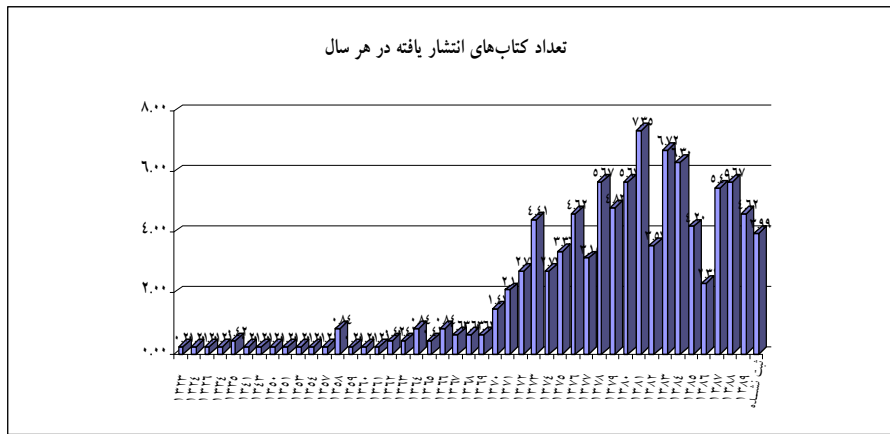
۸. بحث و بررسی و یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال نخست پژوهش مبنی بر «میزان توجه پژوهشگران در ایران به آسیای مرکزی پس از تقسیم آن به جمهوری‌های پنج‌گانه از سوی شوروی تا پیروزی انقلاب

اسلامی ایران و بعدتر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و در نتیجه استقلال این جمهوری‌ها در حوزه‌های پژوهشی کتاب، مقاله و پایان‌نامه» می‌توان این پژوهش‌ها را در سه زمینه یادشده و در سه مقطع پیش از انقلاب اسلامی، از انقلاب اسلامی تا فروپاشی شوروی سابق، و دوره استقلال تحلیل کرد. به دلیل قرارگرفتن دو منطقه ایران و آسیای مرکزی در حوزه نفوذ دو قدرت استعماری با دو تفکر کاملاً مخالف، شرق و غرب، و با اهداف متفاوت و در نتیجه نبود بسترهای مناسب تعاملات دوجانبه، میزان توجه پژوهشگران در ایران به آسیای مرکزی در دوره پیش از انقلاب اسلامی بسیار ناچیز بوده است. جدول شماره ۳ و نمودار مربوط به آن در این زمینه کاملاً گویاست.

جدول شماره ۳: انتشار کتاب‌ها به ترتیب سال انتشار

ردیف	سال نشر	تعداد	درصد	ردیف	سال نشر	تعداد	درصد
۱	۱۳۲۳	۱	۰/۲۱	۲۴	۱۳۶۹	۳	۰/۶۳
۲	۱۳۲۴	۱	۰/۲۱	۲۵	۱۳۷۰	۷	۱/۴۷
۳	۱۳۲۶	۱	۰/۲۱	۲۶	۱۳۷۱	۱۰	۲/۱۰
۴	۱۳۳۴	۱	۰/۲۱	۲۷	۱۳۷۲	۱۳	۲/۷۳
۵	۱۳۳۵	۲	۰/۴۲	۲۸	۱۳۷۳	۲۱	۴/۴۱
۶	۱۳۴۱	۱	۰/۲۱	۲۹	۱۳۷۴	۱۳	۲/۷۳
۷	۱۳۴۳	۱	۰/۲۱	۳۰	۱۳۷۵	۱۶	۳/۳۶
۸	۱۳۵۰	۱	۰/۲۱	۳۱	۱۳۷۶	۲۲	۴/۶۲
۹	۱۳۵۱	۱	۰/۲۱	۳۲	۱۳۷۷	۱۵	۳/۱۵
۱۰	۱۳۵۳	۱	۰/۲۱	۳۳	۱۳۷۸	۲۷	۵/۶۷
۱۱	۱۳۵۴	۱	۰/۲۱	۳۴	۱۳۷۹	۲۳	۴/۸۳
۱۲	۱۳۵۷	۱	۰/۲۱	۳۵	۱۳۸۰	۲۷	۵/۶۷
۱۳	۱۳۵۸	۴	۰/۸۴	۳۶	۱۳۸۱	۳۵	۷/۳۵
۱۴	۱۳۵۹	۱	۰/۲۱	۳۷	۱۳۸۲	۱۷	۳/۵۷
۱۵	۱۳۶۰	۱	۰/۲۱	۳۸	۱۳۸۳	۳۲	۶/۷۲
۱۶	۱۳۶۱	۱	۰/۲۱	۳۹	۱۳۸۴	۳۰	۶/۳۰
۱۷	۱۳۶۲	۲	۰/۴۲	۴۰	۱۳۸۵	۲۰	۴/۲۰
۱۸	۱۳۶۳	۲	۰/۴۲	۴۱	۱۳۸۶	۱۱	۲/۳۱
۱۹	۱۳۶۴	۴	۰/۸۴	۴۲	۱۳۸۷	۲۶	۵/۴۶
۲۰	۱۳۶۵	۲	۰/۴۲	۴۳	۱۳۸۸	۲۷	۵/۶۷
۲۱	۱۳۶۶	۴	۰/۸۴	۴۴	۱۳۸۹	۲۲	۴/۶۲
۲۲	۱۳۶۷	۳	۰/۶۳	۴۵	ثبت نشده	۱۹	۳/۹۹
۲۳	۱۳۶۸	۳	۰/۶۳				

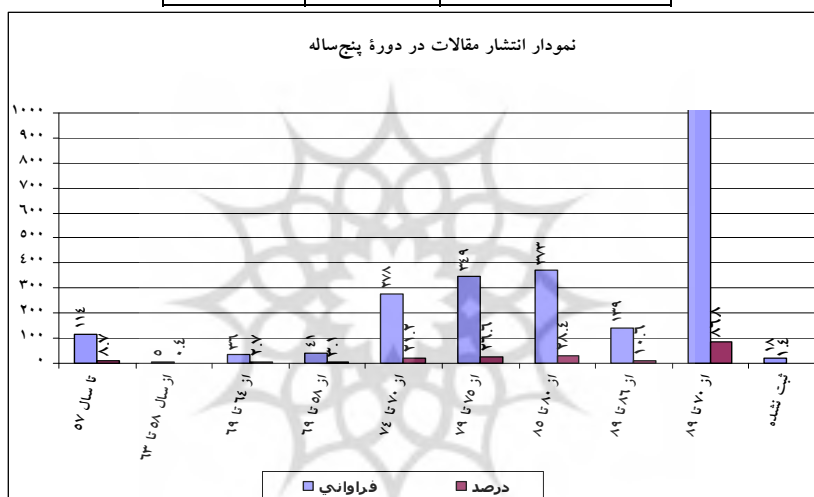


براساس داده‌های این جدول، انتشار کتاب درباره آسیای مرکزی در ایران از ۱۳۲۳، که نخستین کتاب توصیف شده در این طرح به شمار می‌رود، تا ۱۳۷۰/۱۳۹۱، یعنی زمان فروپاشی شوروی سابق و استقلال آسیای مرکزی، روندی به نسبت یکسان را طی کرده است. تنها تفاوت محسوس در این زمینه مربوط به وقوع انقلاب اسلامی در ایران است که باعث شده است تا تألیف و چاپ کتاب در ایران درباره آسیای مرکزی شیب بیشتری پیدا کند، به گونه‌ای که از ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷، یعنی در طول ۳۴ سال فقط ۱۳ جلد کتاب چاپ شده است؛ این تعداد در طول سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۹، یعنی ۱۱ سال، به رقم ۳۰ جلد کتاب افزایش می‌یابد. تعداد این تألیفات در سه سال پایانی منجر به استقلال، یعنی ۱۳۶۸-۱۳۷۰، با تعداد کتاب‌های چاپ شده در طول ۳۴ سال قبل از انقلاب اسلامی برابری می‌کند. این میزان توجه چیزی نیست جز تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ و به دنبال آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۳۷۰، که زمینه تعاملات دوجانبه را برای ملت‌های دو منطقه فراهم کرد. از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹، یعنی در طول ۱۸ سال، ۴۱۴ جلد کتاب در ایران درباره آسیای مرکزی تألیف و یا ترجمه شده است. این تعداد کتاب به هیچ وجه قابل مقایسه با دوران قبل از انقلاب اسلامی در ایران و پیش از فروپاشی شوروی نیست. با وقوع دو حادثه یادشده در منطقه، و به دنبال آن، شروع روابط دوجانبه مستقیم سیاسی، که با تأسیس نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی دو ملت در کشورهای یکدیگر آغاز شد، زمینه ایجاد تعاملات اقتصادی، فرهنگی و علمی ایجاد شد. در این دوره تعاملات دو منطقه به شدت افزایش یافت و پژوهشگران ایرانی به‌تنهایی و یا با همکاری محققان در آسیای مرکزی با تألیف و

ترجمه کتاب، سعی کردند آگاهی‌های مخاطبان خود را به این منطقه جدا افتاده از خود افزایش دهند و نیازهای اطلاعاتی آنها را برآورده سازند.

جدول شماره ۴: انتشار مقالات در دوره پنج‌ساله

سال انتشار	تعداد	درصد
تا ۵۷	۱۱۴	۸/۷
از ۵۸ تا ۶۳	۵	۰/۴
از ۶۴ تا ۶۹	۳۶	۲/۷
از ۷۰ تا ۷۴	۴۱	۳/۱
از ۷۵ تا ۷۹	۲۷۸	۲۱/۲
از ۸۰ تا ۸۵	۳۴۹	۲۶/۶
از ۸۶ تا ۸۹	۳۷۳	۲۸/۴
از ۹۰ تا ۹۶	۱۳۹	۱۰/۶
از ۹۷ تا ۱۰۸	۱۱۳۹	۸۶/۸
ثبت نشده	۱۸	۱/۴

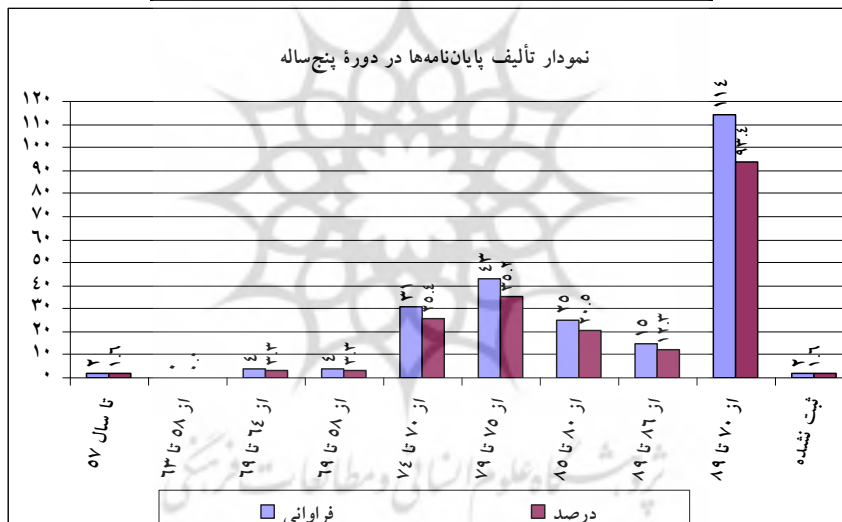


بررسی مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی تألیف و دفاع شده در این سال‌ها درباره آسیای مرکزی جالب توجه است. جدول شماره ۴ و نمودار مربوط به آن نشان می‌دهد که میزان شیب توجه پژوهشگران به موضوعات مربوط به این منطقه در

حوزه مقاله‌نویسی با تألیف کتاب به طور نسبی برابر است. اگر از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، ۱۱۴ مقاله در این باره تألیف شده باشد، این تعداد طی ۵۸-۶۹، یعنی ۱۱ سال، به ۴۱ مقاله بالغ می‌شود؛ اما پس از فروپاشی شوروی، به یکباره شیب صعودی به خود گرفته، در طول پنج سال نخست، یعنی ۱۳۷۰-۱۳۷۴، به ۲۷۸ مقاله افزایش می‌یابد. از ۱۳۷۵-۱۳۸۹، یعنی در طول ۱۶ سال، تعداد مقالات با راه‌اندازی مجلات ویژه این منطقه، که عمدتاً دولتی است، به ۸۶۱ مقاله بالغ می‌شود.

جدول شماره ۵: انتشار پایان‌نامه‌ها در دوره پنج‌ساله

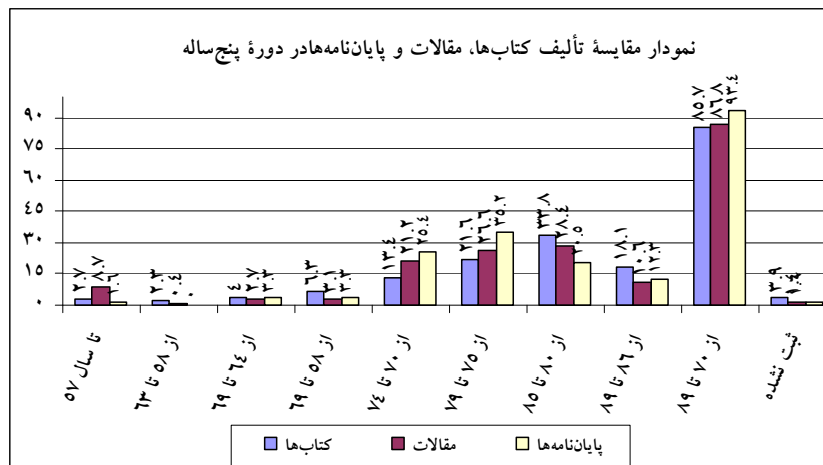
سال انتشار	فراوانی	درصد
تا ۵۷	۲	۱/۶
از ۵۸ تا ۶۳	۰	۰
از ۶۴ تا ۶۹	۳	۳/۳
از ۷۰ تا ۷۹	۳	۳/۳
از ۸۰ تا ۸۵	۳۱	۲۵/۴
از ۸۶ تا ۸۹	۴۳	۳۵/۲
از ۹۰ تا ۹۳	۲۵	۲۰/۵
از ۹۴ تا ۹۷	۱۵	۱۲/۳
از ۹۸ تا ۱۰۱	۱۱۴	۹۳/۴
ثبت نشده	۲	۱/۶



اما تألیف پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی در ایران درباره آسیای مرکزی در سه مقطع پیش از انقلاب اسلامی، از انقلاب اسلامی تا فروپاشی شوروی، و از فروپاشی شوروی تا ۱۳۸۹ قابل توجه است؛ ضمن این‌که توجه داریم این نوع تولید علم، در قالب پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی، در سال‌های پیش از انقلاب با سال‌های پس آن در ایران تفاوت بسیار معناداری پیدا کرده است؛ زیرا با گسترش سریع و چشمگیر آموزش عالی در ایران و تأسیس دانشگاه‌های متعدد در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، دانشجویان زیادی برای یافتن موضوعات جدید یا به دست آوردن تخصص در این باره به منظور به عهده گرفتن مسئولیت‌های دولتی در این منطقه به سوی این نوع تحقیقات روی آوردند؛ بنابراین تألیف پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی در ایران درباره آسیای مرکزی علاوه بر آن‌که متأثر از وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی در ایران است، از این تغییر رویکرد در ایران نیز به شدت متأثر است. بدین ترتیب و براساس جدول شماره ۵ و نمودار مربوط به آن، اگر فقط تا ۱۳۵۷؛ ۲ پایان‌نامه در مورد آسیای مرکزی در دانشگاه‌های ایران دفاع شده باشد، از ۱۳۵۸-۱۳۶۹، این تعداد به ۳ عنوان، و از ۱۳۷۰-۱۳۸۹ به ۱۱۴ عنوان افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر ۹۳/۴ درصد پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های دانشگاهی در ایران مربوط به سال‌های استقلال (۱۳۷۰-۱۳۸۹) این کشورهاست.

جدول شماره ۶: مقایسه انتشار کتاب، مقاله و پایان‌نامه در دوره پنج‌ساله

سال انتشار	پایان‌نامه‌ها	مقالات	کتاب‌ها
تا ۵۷	۱/۶	۸/۷	۲/۷
از ۵۸ تا ۶۳	۰	۰/۴	۲/۳
از ۶۴ تا ۶۹	۳/۳	۲/۷	۴
از ۵۸ تا ۶۹	۳/۳	۳/۱	۶/۳
از ۷۰ تا ۷۴	۲۵/۴	۲۱/۲	۱۳/۴
از ۷۵ تا ۷۹	۳۵/۲	۲۶/۶	۲۱/۶
از ۸۰ تا ۸۵	۲۰/۵	۲۸/۴	۳۳/۸
از ۸۶ تا ۸۹	۱۲/۳	۱۰/۶	۱۸/۱
از ۷۰ تا ۸۹	۹۳/۴	۸۶/۸	۸۵/۷
ثبت نشده	۱/۶	۱/۴	۳/۹



جدول شمارهٔ ۶ و نمودار مربوط به آن، چشم‌انداز جامعی از فعالیت پژوهشگران را دربارهٔ آسیای مرکزی در ایران در سه مقطع مورد اشاره به تصویر کشیده است. براساس داده‌های این جدول، تا ۱۳۵۷ به ترتیب ۲/۷، ۸/۷ و ۱/۶ درصد؛ از ۱۳۵۸-۱۳۶۹ به ترتیب ۶/۳، ۳/۱ و ۳/۳؛ و از ۱۳۷۰-۱۳۸۹ به ترتیب ۸۵/۷، ۸۶/۸ و ۹۳/۴ کتاب، مقاله و پایان‌نامه/رساله؛ تألیف، منتشر و دفاع شده است.

در پاسخ به سؤال دوم این پژوهش مبنی بر این‌که «کدام‌یک از کشورهای منطقهٔ آسیای مرکزی در مرکز توجه پژوهشگران در ایران قرار گرفته‌اند؟» باید گفت در میان پنج کشور منطقه، جمهوری تاجیکستان به دلیل هم‌زبانی با مردم ایران، ترکمنستان به دلیل هم‌مرز بودن، اشتراکات فرهنگی و تاریخی با ایران و وجود ترکمن‌ها در دو کشور، و جمهوری ازبکستان به دلیل هم‌زبانی بسیاری از مردمان آنها با ایرانیان و وابستگی تاریخی تعدادی از شهرهای باستانی آن به سرنوشت ایران، از جمله سمرقند، بخارا و خوارزم، بیش از دیگر کشورها دقت پژوهشگران را به خود جلب کرده است، در این میان قزاقستان نیز در بخش پایان‌نامه‌ها به دلیل مسائل اقتصادی و سیاسی به‌نسبت مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. جدول شمارهٔ ۷، میزان آثار بررسی شدهٔ پژوهشگران را در سه حوزهٔ پایان‌نامه، کتاب و مقاله نشان داده است. براساس داده‌های این جدول، علاوه بر موضوعات مورد توجه عمومی منطقه، یعنی آسیای مرکزی/ آسیای میانه، ترکستان، ماوراءالنهر، در بخش کتاب کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان،

قزاقستان و قرقیزستان به ترتیب با ۰/۲۵٪، ۰/۱۱٪، ۰/۹٪، ۰/۵٪ و ۰/۱٪؛ در بخش مقاله کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان به ترتیب با ۰/۳۰٪، ۰/۹٪، ۰/۵٪، ۰/۴٪ و ۰/۲٪؛ در بخش پایان‌نامه/رساله کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان و قرقیزستان به ترتیب با ۰/۱۰٪، ۰/۹٪، ۰/۶٪، ۰/۸٪ و ۰/۸٪ در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۷: مقایسه محل جغرافیایی آثار

کشور	پایان‌نامه		کتاب‌ها		مقالات		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تاجیکستان	۱۲	۹/۸	۱۱۹	۲۵	۴۰۰	۳۰/۵	۵۳۱	۲۷/۸
آسیای مرکزی	۸۴	۶۹/۵	۱۸۱	۳۸	۵۹۱	۴۵	۸۵۶	۴۴/۸
ترکمنستان	۱۳	۱۰/۷	۵۵	۱۱/۶	۱۲۶	۵/۷	۱۴۳	۷/۵
ازبکستان	۱	۰/۸	۴۳	۰/۹	۷۵	۹/۶	۱۷۰	۸/۹
قزاقستان	۸	۶/۷	۲۴	۵	۶۱	۴/۶	۹۳	۴/۹
ترکستان	---	۰	۱۰	۲/۱	۸	۰/۶	۱۸	۰/۹
قرقیزستان	۱	۰/۸	۹	۱/۹	۳۸	۲/۹	۴۸	۲/۵
ثبت نشده	۲	۱/۶	۳۵	۷/۴	۱۳	۱/۱	۵۱	۲/۷
جمع	۱۲۱	۱۰۰	۴۷۶	۱۰۰	۱۳۱۲	۱۰۰	۱۹۰۹	۱۰۰

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر «موضوعات مورد علاقه پژوهشگران» باید گفت میزان توجه پژوهشگران در حوزه کتاب، مقاله و پایان‌نامه/رساله، به موضوعات متفاوت است. جدول شماره ۷ این میزان را نشان داده است. براساس داده‌های این جدول در بخش کتاب، موضوعات ادبی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی به ترتیب با ۰/۳۱٪، ۰/۲۲٪، ۰/۱۶٪، ۰/۶٪ و ۰/۴٪ درصد تحقیقات قرار دارند. موضوعات اقتصادی، زبانی، هنری، مذهبی، اجتماعی و فولکلور نیز کم‌وبیش مورد توجه بوده‌اند. در بخش مقاله موضوعات ادبی، سیاسی، اقتصادی، نقد کتاب، و تاریخی به ترتیب با ۰/۲۴٪، ۰/۲۳٪، ۰/۱۱٪، ۰/۹٪ و ۰/۹٪ پنج موضوع نخست تحقیقات هستند. موضوعات فرهنگی، زبانی (زبان فارسی)، جغرافیایی، هنری، اجتماعی، فولکلور و مذهبی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بخش پایان‌نامه/رساله موضوعات سیاسی، اقتصادی، تاریخی، ادبی و فرهنگی به ترتیب با ۰/۵۴٪، ۰/۲۴٪، ۰/۵٪، ۰/۴٪ و ۰/۳٪ در صدر

پژوهش‌ها جای گرفته‌اند. موضوعات اجتماعی، جغرافیایی و هنری در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این بخش هیچ توجهی به موضوعات مذهبی و زبانی (زبان فارسی) نشده است.

جدول شماره ۸: مقایسه موضوعات کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها

موضوع	سند		پایان‌نامه‌ها		مقالات		کتاب‌ها	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
ادبی	۵	۴/۱	۳۲۳	۲۴/۶	۱۵۰	۳۱/۴		
تاریخی	۷	۵/۷	۱۲۹	۹/۹	۱۰۶	۲۲/۴		
سیاسی	۶۶	۵۴/۱	۳۱۳	۲۳/۷	۸۱	۱۷/۰		
فرهنگی	۴	۳/۳	۹۵	۷/۲	۳۲	۶/۷		
جغرافیایی	۳	۲/۵	۵۵	۴/۲	۲۳	۴/۸		
زبان فارسی	---	---	۵۷	۴/۳	۱۲	۲/۵		
اقتصادی	۳۰	۲۴/۶	۱۴۳	۱۰/۹	۲۰	۴/۲		
مذهبی	---	---	۱۵	۱/۱	۹	۱/۹		
اجتماعی	۴	۳/۳	۱۷	۱/۳	۶	۱/۳		
هنری	۱	۰/۸	۲۵	۱/۹	۱۱	۲/۳		
فولکلور	---	---	۱۶	۱/۲	۳	۰/۶		
نقد کتاب	---	---	۱۲۱	۹/۲	---	---		
ثبت نشده	۲	۱/۶	۵	۰/۴	۲۳	۴/۸		
جمع	۱۲۱	۱۰۰	۱۳۱۲	۱۰۰	۴۷۶	۱۰۰		

۹. نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی به دلایل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از دیرباز برای کشورهای دنیا، و به‌ویژه ایران، چین و یونان (از عهد باستان تا کنون)، روسیه (از نیمه نخست قرن هجدهم میلادی به بعد)، ترکیه (از ابتدای قرن بیستم بدین سو)، و برای آمریکا و غرب در دو دهه اخیر، پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این منطقه در عهد باستان به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده ابرایشم و راه مناسب تجاری کشورهای خاور دور با اروپا برای چین و یونان جاذبه شگفتی داشت؛ اما از آنجا که نخستین زادگاه و جایگاه ایرانیان آریایی نژاد بود و

آنان مهاجرت خود به درون فلات ایران را از این منطقه آغاز کردند و زرتشت نیز در این منطقه به دنیا آمد و تعالیم خود را در میان پیروانش انتشار داد، همواره در ذهن آنان منطقه‌ای اسطوره‌ای می‌نمود؛ بنابراین خاطرات این منطقه برای آنان از اسطوره تا تاریخ را تداعی می‌کرد. در نیمه نخست قرن هجدهم میلادی روسیه برای به تحقق پیوستن آرزوهای پتر کبیر (۱۶۷۲-۱۷۲۵م) و دستیابی به آب‌های آزاد، آهسته‌آهسته با فتح مناطق شمالی این سرزمین به درون آن راه یافت و سرانجام تمام آن را در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به زیر چتر حمایت خود برد. همزمان با حرکت‌های سیاسی در جهت اتحاد ترکان در ترکیه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، توجه ترکیه به این منطقه در مقام اقامتگاه ترکان و لزوم اتحاد آنها با یکدیگر فزونی گرفت؛ به گونه‌ای که نخستین حرکت‌های ملی‌گرایانه ترکی در این منطقه با الهام از ترکیه و خیل مهاجرت ترکان و تاجیکان این منطقه به پایتخت عثمانی در اوایل قرن بیستم برای تحصیل و تجارت به استانبول آغاز شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال پنج کشور این منطقه، آمریکا نیز برای دستیابی به ذخایر عظیم نفت و گاز آن و تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه (ایران، روسیه، چین و افغانستان) با ایجاد پایگاه‌های نظامی در ازبکستان و قرقیزستان وارد منطقه شد. این روند پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شتاب بیشتری به خود گرفته است. تحولات تاریخی منطقه گویای این نکته است که کشورهای این منطقه همواره تابعی از قدرت کشورهای پیرامون خود بوده‌اند؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ در میدان رقابت میان قدرت‌های برتر قرار داشته‌اند. ایران نیز یکی از این کشورهای قدرتمند بوده است؛ بنابراین لازم است مسئولان ایران با استفاده از ظرفیت‌ها و زمینه‌های موجود در کشورهای منطقه به احیای روابط تاریخی خود با این کشورها اهتمام ورزند. در این میان به دلایل مختلف تاریخی و تجربه‌های تلخ نزاع‌های مذهبی میان دو طرف، دیپلماسی اقتصادی در درجه نخست و دیپلماسی فرهنگی در درجه بعدی مهم‌ترین و کاراترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این منطقه خواهد بود، ضمن آن‌که به دلیل حضور پررنگ ترکیه در کشورهای ترک‌زبان این منطقه، با استفاده از حربه مذهب و زبان برای ایجاد همگرایی، و حضور نظامی و اقتصادی قدرتمند روسیه در کل منطقه، توجه ویژه ایران در توسل به راهبرد اقتصاد و فرهنگ در کل منطقه و راهبرد زبان و اقتصاد در تاجیکستان برای حفظ و افزایش همگرایی با این کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. ضمن آن‌که تقویت زبان فارسی در تاجیکستان به تقویت زبان فارسی و فارسی‌زبانان در سراسر منطقه منجر خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهشگران روسیه نخستین بار در سال ۱۳۰۳ش/ ۱۹۲۴م اصطلاح آسیای میانه را برای این منطقه به کار بردند. بنابر نوشته دکتر پرویز ورجاوند در مقدمه کتاب *خراسان و ماوراءالنهر* (آسیای میانه) تألیف آ. بلنیتسکی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی: ۱۳۷۱)، در دومین *دایره‌المعارف بزرگ شوروی* (مسکو: ۱۹۵۷)، ذیل واژه روسی *Sredniaia Azia* (سردنیایا آسیا= آسیای میانه) وضع این اصطلاح برای این منطقه در سال ۱۹۲۴ یادآوری و افزوده شده است که اصطلاح *Sredniaia Azia* (سردنیایا آسیا) برای تفاوت گذاشتن میان این اصطلاح با *Sentralnaia Azia* (آسیای مرکزی) به کار گرفته شده. براساس همین تحقیق: «از نظر جغرافی‌دانان دنیا، منطقه‌ای که به نام آسیای مرکزی شناخته می‌شود عبارت است از: ترکستان شرقی یا ترکستان چین، مغولستان و تبت» (بلنیتسکی، ۱۳۶۴: ۱۱-۱۳ مقدمه مترجم). گویا نخستین بار الکساندر فن هومبولت (*Alexander Von Humboldt*) در سال ۱۸۴۳م/ ۱۲۲۲ش واژه آسیای مرکزی را برای نامیدن مناطقی از آسیا که در مختصات ۵ درجه شمالی و ۵ درجه جنوبی عرض جغرافیایی ۴۴/۵ درجه قرار دارد، پیشنهاد کرد (احمدیان شالچی، ۱۳۷۸: ۱۹). براساس تحقیق دیگری، که امروزه این تعریف در مورد آسیای مرکزی کاملاً مردود است، گروهی از جغرافی‌دانان از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری «بخشی از قاره آسیا را آسیای مرکزی (*Central Asia*) نامیدند که ترکستان چین (سین‌کیانگ)، بخش غربی مغولستان، نواحی شمالی تبت، کشمیر، بخش شمالی پاکستان، نواحی شمالی خراسان، قفقاز و پنج جمهوری تازه‌استقلال یافته آسیای میانه را دربرمی‌گیرد» (گلی زواره، ۱۳۷۳: ۱۳). به نظر می‌رسد امروزه باید درباره محدودۀ تاریخی این منطقه در «حدفاصل دریای خزر تا سین‌کیانگ چین و مغولستان» توافق کرد (احمدیان شالچی، ۱۳۷۸: ۲۱). برای اطلاع بیشتر درباره آسیای میانه و مرکزی ر.ک: احمدیان، ۱۳۷۳: ۳۷-۴۸؛ امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۱-۳۱.

۲. داده‌های جدول براساس اطلاعات پایگاه <http://www.infoplease.com/countries.html> [تاریخ مشاهده ۳۰ خرداد ۱۳۸۹]، تنظیم شده است. این پایگاه اطلاعات عمومی تمام کشورهای جهان را به صورت دقیق گردآوری کرده و در این زمینه قابل اعتماد است. این داده‌ها در برخی موارد، اندکی با داده‌های پایگاه اطلاع‌رسانی <http://www.cia.gov/> [تاریخ مشاهده ۳۰ مرداد ۱۳۸۹] متفاوت است، با این همه، اختلاف زیادی با یکدیگر ندارند. برای دریافت اطلاعات بیشتر در زمینه شاخص‌های توسعه انسانی به پایگاه شاخص‌های توسعه انسانی - برنامه سازمان ملل (۲۰۱۱م) به نشانی اینترنتی <http://hdr.undp.org/en/data/profiles> مراجعه شود.

۳. ترکستان به سرزمینی اطلاق می‌شده که مسکن اصلی قوم ترک بوده است و تقریباً با ایالت سین‌کیانگ یا ترکستان چین کنونی، ترکستان شرقی، مطابقت دارد. بر اثر مهاجرت مستمر این قوم به طرف غرب، در اواخر دولت سامانیان، رفته‌رفته قسمت اعظم ماوراءالنهر، نام ترکستان را به خود گرفت (شهیدی مازندرانی، ۱۳۷۷: ۶۶۵-۶۶۶). سقوط سامانیان ایرانی‌نژاد در سال ۳۸۹ق و تأسیس دولت قره‌خانیان در ماوراءالنهر (۳۸۹-۵۲۳ق)، نخستین دولت ترک مسلمان، موج عظیمی از صحرائنشینان بیابانگرد ترکستان غربی (سین‌کیانگ چین) و ترک‌های شمال ماوراءالنهر (قزاقستان کنونی) را به درون ماوراءالنهر کشاند که روند ترکی‌سازی را در آن منطقه به اوج رساند (فروزانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). این جریان، در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت. این منطقه پس از اشغال از سوی روسیه، در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، و تا پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، که دربرگیرنده مناطق اشغال شده شرق دریای خزر از سوی روسیه بود، ترکستان روس نامیده شد (بلنیتسکی، ۱۳۷۱: مقدمه مترجم ۱۲). ترکستان شرقی یا ترکستان چین نیز با شهرهای معروف خود، کاشغر و یارکند، در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شهره است. درخور توجه است هم اکنون نام یکی از شهرهای استان قزاقستان جنوبی، به مرکزیت چیمکنت/ شیمکنت ترکستان نام دارد (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «ترکستان، ترکستان غربی و ترکستان شرقی»). درباره تاریخ پیدایش ترک‌ها، وطن نخستین آنها و تاریخ ورود این قوم به آسیای مرکزی و مواجهه آنها با اقوام ایرانی‌تبار ساکن

این منطقه، به آثار و.و. بارتولد، به‌ویژه، جلد نخست کتاب ارزشمند دو جلدی ترکستان‌نامه (ترکستان در عهد مغول) ترجمه کریم کشاورز (تهران: آگه، ۱۳۸۷) و تاریخ ترک‌های آسیای میانه ترجمه دکتر غفار حسینی (تهران: توس، ۱۳۷۶) مراجعه شود.

۴. در تعریف یونسکو، که از سال ۱۹۶۷/م ۱۳۴۶ش مطالعات جامعی را درباره این منطقه آغاز کرده است، آسیای مرکزی شامل «کلیه سرزمین‌های افغانستان، قسمت غربی چین، شمال هندوستان، شمال شرق ایران، مغولستان، پاکستان، و جمهوری‌های آسیای مرکزی سابق» است (احمدیان شالچی، ۱۳۷۸: ۲۱). نقشه مورد استفاده در متن، از پایگاه http://en.wikipedia.org/wiki/Image:Centra_Asia_borders.png [تاریخ مشاهده ۳۰ تیر ۱۳۸۹] گرفته شده است.

۵. سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م برای شروع محدوده زمانی طرح در این بخش، که با عنوان طرح اصلی هماهنگ است؛ با اندکی تسامح انتخاب شده است؛ چراکه این تاریخ لزوماً به منزله شروع جدی تولید اسناد علمی در ایران درباره آسیای مرکزی نیست؛ بلکه به‌طور تقریبی ناظر بر شروع دوران جدید در ایران و آسیای مرکزی است؛ یعنی در این سال‌ها در دو منطقه ایران و آسیای مرکزی تحولات سیاسی جدیدی شکل گرفت که در نهایت در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م منجر به روی کار آمدن دودمان پهلوی در ایران شد و در منطقه دیگر در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م با تقسیمات انجام گرفته در ماوراءالنهر، جمهوری‌های جدید شورایی در قالب اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شدند. حتی در دوره پهلوی اول نیز (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش) کمتر سندی مطابق با اهداف این طرح در دسترس بود، به گونه‌ای که اسناد بررسی شده در این طرح اساساً در دوران پیش از وقوع انقلاب اسلامی به زمان پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) مربوط است. در این دوره همزمان با شکل‌گیری مراکز دانشگاهی، گسترش چاپخانه‌ها، تأسیس مجلات ادبی و دانشگاهی در ایران آهسته‌آهسته توجه به این منطقه از سوی ایرانیان با تولید کتاب و مقاله افزایش پیدا کرد. نکته دیگر اینکه این اسناد، اسنادی است که ما به آنها دست یافته و توصیف کرده‌ایم؛ بنابراین لزوماً تمام اسناد موجود نیست و ممکن است مواردی از دید ما دور مانده باشند.

۶. در این کتاب‌شناسی، در مقدمه و در بخش بررسی‌ها، همه جا از اصطلاح آسیای مرکزی استفاده شده؛ اما در متن کتاب‌شناسی، هیچ دخالتی در گزینش یکی از سه اصطلاح ماوراءالنهر، آسیای میانه یا مرکزی نشده است. انتخاب کلمه ماوراءالنهر از سوی مؤلفان بیشتر ناظر بر پیشینه تاریخی و فرهنگی این سرزمین است و دو اصطلاح دیگر، آسیای مرکزی و آسیای میانه، پس از اشغال این منطقه از سوی روسیه برای این منطقه رایج شده است. برای مشخص شدن فراوانی کاربرد این سه واژه در تحقیقات سده اخیر، پس از ذکر فراوانی کل منطقه و درصد آن با استفاده از اصطلاح آسیای مرکزی، میزان کاربرد دو اصطلاح دیگر نیز نشان داده شده است.



منابع

- احمدیان شالچی، نسرين (۱۳۷۸): *ديار آشنا*: ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۳): «آسیای مرکزی و حدود آن»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲، ش ۵، تهران: صص ۳۷-۴۸.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۹): *مرزهای ناپیدا*، تهران: یزدان و شرکت سهامی انتشار.
- الهی، امیرسعید (۱۳۷۵): «کتاب‌شناسی گزیده فارسی آسیای مرکزی و قفقاز»، *اطلاعات سیاسی - اقتصاد*، ش ۱۰۷ و ۱۰۸، تهران: صص ۱۷۴-۱۷۷.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳): «سفری به فرارودان»، *گزارش گفت‌وگو*، ش ۱۱، صص ۱۱-۳۱.
- بارتولد، و. و. (۱۳۷۶): *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه دکتر غفار حسینی، تهران: توس.
- ----- (۱۳۸۷): *ترکستان‌نامه* (ترکستان در عهد مغول)، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، چ ۳، تهران: آگه.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۳): *سلسله‌های اسلامی جدید*: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بلنیتسکی، آ. (۱۳۷۱): *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال (۱۳۸۰): *تاریخ ایران*، چ ۵، تهران: خیام.
- حبیبی آزاد، ناهید (۱۳۸۱): *کتاب‌شناسی توصیفی تاجیکستان*. دوشنبه: رازنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان.
- خدایار، ابراهیم (۱۳۸۴): *غریبه‌های آشنا*، تهران: تمدن ایرانی.
- شارب، رلف نامن (۱۳۸۴): *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*، چ ۲، تهران: پازینه.
- شهیدی مازندرانی، حسین (بیژن) (۱۳۷۷): *فرهنگ شاهنامه* (نام کسان و جایها)، تهران: نشر بلخ، وابسته به بنیاد نیشابور.
- صمیعی، میترا (۱۳۸۵): «کتاب‌شناسی» در *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، زیر نظر فریبرز خسروی، ج ۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۵۵۹-۱۵۶۳.
- عسکری، لیلا و ملیحه تفسیری (۱۳۷۸): *کتاب‌شناسی ترکمنستان*، تهران: الهدی.
- فروزانی، سیدابولقاسم (۱۳۸۸): *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان*، چ ۵، تهران: سمت.
- *کتاب‌شناسی خاورشناسان (ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان) روسیه و اتحاد شوروی سابق* (۱۳۷۲): گروه مترجمان و مؤلفان، با مقدمه عنایت‌اله رضا، تهران: الهدی.
- کنت، رولاند گراب (۱۳۸۴): *فارسی باستان*: دستور زبان، متون، واژه‌نامه، ترجمه و تحقیق سعید عربیان، ویراست ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش، اداره کل امور فرهنگی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۷۱): *کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- Kent, Roland G. (1953); *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven: American Oriental Society.

- http://azargoshnasp.net/recent_history/pan_turkist_philosophy/tajikanbadbakhtuzbekistan.htm [تاریخ مشاهده ۱۵ خرداد ۱۳۸۹].
- http://en.wikipedia.org/wiki/Image:Centra_Asia_borders.Png [تاریخ مشاهده ۱۵ خرداد ۱۳۸۹].
- <http://hdr.undp.org/en/data/profiles> [تاریخ مشاهده ۳۰ بهمن ۱۳۹۰].

منابع تاجیکی و ازبکی

- Аминов, М. (масъул муҳррир) (1997); *Ўзбекистон Республикаси Энциклопедия*, Тошкент: Қомуслар Бош Таҳририяти.
- Турсунов, Н. (2009); *Таърихи Тоҷикон*, Хуҷ анд: Раҳим Ҷ алил.
- Зиёев, Ҳамид (1998); *Туркистонда Россия Тажовузи ва ҳукмронлиги Қарши қураш* (XIII – XX аср бошлари), Тошкент: Шарқ.
- Содиқов, Ҳ. Ва Бошқ. (Тузувчилар) (2000); *Ўзбекистонни Янги Тарихи: Ўзбекистон Чор Россияси Мустанлақчилиши Даврда*, (1-ж), Тошкент: Шарқ.

